

روش‌شناسی توصیفی تفسیر المیزان براساس تحلیل محتوای سوره غافر

رضا شکرانی*

زهرا محققیان**

چکیده

طرح مباحث روش‌شناسی در عرصه علوم انسانی، یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر توسعه علوم انسانی به‌ویژه در حوزه مطالعات قرآنی است. این امر به پژوهشگر کمک می‌کند تا درک بهتری از چگونگی روند مطالعات دینی و زمینه‌های شکل‌گیری متون دینی پیدا نماید. بدین طریق با تدوین روش‌های جدید، موجبات کشف و استخراج لایه‌های عمیق معنایی آیات قرآن نیز فراهم می‌گردد. این مقاله با روش‌شناسی توصیفی و تحلیل محتوای کمی و کیفی به بررسی تفسیر المیزان و توصیف روش آن می‌پردازد. در این پژوهش، با انتخاب سوره غافر، به بررسی روش علامه طباطبایی ذیل یکایک گزاره‌های تفسیری آن پرداخته است. در نهایت با کمک داده‌های کمی و جداول و نمودارهای آماری، روش علامه در سوره غافر با کمک نرم افزار SPSS، تحلیل و معرفی شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که علامه جهت تفسیر آیات سوره غافر، از روش تفسیر عقلی نسبت به سایر روش‌ها بسیار بهره برده و بیشترین ارقام و اعداد، در تحلیل کمی مربوط به این حوزه است.

واژگان کلیدی

سوره غافر، روش‌شناسی توصیفی، تحلیل محتوا، تفسیر المیزان.

shokrani.r@gmail.com

*. استادیار دانشگاه اصفهان.

z.mohaghegh89@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۴

طرح مسئله

تفسیر المیزان به عنوان یکی از مهم ترین تفسیرهای قرن اخیر به لحاظ قدرت فکری و وسعت بینش نویسنده آن، مجال واکاوی و قابلیت بررسی ژرف اندیشانه ای را دارد که می توان از طریق آن، به استخراج روش جهت کشف و لایه برداری از سطوح مختلف کتاب هدایت راه یافت. به همین دلیل ابزاری سودمند برای تفکر و کار بر روی قرآن کریم به شمار می رود. (حسینی طهرانی، ۱۳۸۴: ۶۶)

بدیهی است هر نوع فعالیت علمی درباره مباحث روش شناسی به خصوص روش شناسی تفسیر المیزان که پس از گذشت سالیان، هنوز تازگی آن زوده نشده، گام شایسته ای در جهت رشد و تعالی این مباحث در میان جامعه دانشگاهیان و حوزویان است. در این راستا پژوهش حاضر با واکاوی توصیفی کلام علامه ذیل آیات سوره غافر در نحوه مواجهه با آیات قرآن کریم، به استخراج روش ایشان در تبیین معانی آیات پرداخته و با منقح نمودن عملیات تفسیری ایشان، روش ایشان را کشف و معرفی می نماید تا در نهایت بتوان به استخراج الگوی ایشان جهت تبیین معانی آیات و پرده برداری از سطوح مختلف قرآن دست یافت.

در ادامه پس از معرفی روش تحقیق پژوهش حاضر و مفهوم شناسی واژگان کلیدی، تحلیل محتوای کیفی و کمی کلام علامه، ذیل آیات سوره غافر ارائه شده است.

روش تحقیق

برای بررسی محتوای آشکار پیام های موجود در یک متن می توان از روش تحلیل محتوا^۱ استفاده کرد. این روش، روشی پژوهشی و علمی برای تفسیر متن^۲ است که ضمن توصیف محتوای آشکار پیام ها به طور نظام دار و کمی، به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده ها در مورد متن به کار می رود (کریندروف، ۱۳۷۸: ۲۵) هدف این نوع تحلیل، همانند سایر تکنیک های پژوهشی، فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل است (همان: ۲۶) در این روش، مفاهیم به شکلی نظام مند، استخراج و بازیابی می شوند و می توان آن را روش تبدیل داده های کیفی به داده های کمی قلمداد کرد.

روش تحلیل محتوا گرچه از یک سری اصول عام پیروی می کند، اما دارای فنون و شیوه های خاصی نیز هست. در این پژوهش، با توجه به انواع فنون روش تحلیل محتوا، فن تحلیل محتوای

1. Content analysis.
2. Text.

تلخیصی انتخاب شده است. مطالعه‌ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می‌کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آنها در متن آغاز می‌شود. این کمیت‌سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای متن است، بلکه بیشتر از آن، در پی کشف کاربرد این مضامین در متن است. از این طریق می‌توان به نوع گرایش و ارزش‌گذاری‌های تولیدکننده متن پی برد. در این فن، واحدهای محتوایی و علایم زبانی (لغات و جملات و ...) که دارای بار ارزشی هستند، به وسیله روش دستی یا کامپیوتری شمرده شده و ثبت می‌گردند. (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۲۸) اگر تحلیل در همین حد باز ایستد، تحلیلی کمی به شمار می‌آید که تمرکز آن، روی شمار فراوانی مضمون یا واژگان ویژه است، اما اگر به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود، تحلیل محتوای پنهان نامیده می‌شود که به فرایند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است. این حالت به محقق اجازه می‌دهد تا به تفسیر مضامین مربوط به هم بردازد. محققان می‌کوشند بر این اساس، کاربرد برخی مفاهیم و یا معانی‌ای را که یک کلمه می‌تواند داشته باشد یا روش مورد استفاده مؤلف را، کشف کنند. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۰)

براین اساس روش‌شناسی توصیفی تفاسیر با تأمل در یکایک گزاره‌های تفسیری، نوعی تحلیل محتوا به شمار می‌آید. در پژوهش حاضر که با هدف روش‌شناسی علامه در تفسیر المیزان انجام شده، مراحل زیر به ترتیب انجام شده‌اند:

محتوای مورد بررسی، تفسیر علامه ذیل سوره غافر است که به عنوان یک مورد مطالعه از کل قرآن انتخاب شده است.

کلام علامه و روش تفسیری ایشان ذیل سوره غافر، براساس رویکردهای شایع در میان روش‌پژوهان در مورد انواع روش‌های تفسیر؛ یعنی تفسیر قرآن با قرآن، سنت، عقل، لغت، علم و تفسیر شهودی، تفکیک و سپس دسته‌بندی شده است.

به منظور افزایش دقت کار، هر یک از روش‌های تفسیری به کار رفته در سوره غافر، به محورهایی تقسیم‌بندی شده و ذیل هر یک، بنا به فراخور گنجایش پژوهش، تنها یک نمونه ارائه گردیده است. فراوانی هر یک از این محورها نیز، در قسمت تحلیل داده‌های کمی، بیان شده است.

براساس داده‌های به دست آمده در مرحله قبل (مقادیر کمی)، جداول و نمودارهای آماری براساس نرم افزار SPSS طراحی و پس از آن، تحلیل کیفی هر یک ارائه گردیده و در نهایت نیز، به معرفی روش علامه ذیل آیات سوره غافر پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی

۱. **تفسیر:** در مورد تفسیر تعاریف بسیاری ارائه شده که به نظر می‌رسد جامع آن‌ها، عبارت است از: «تلاش برای کشف مدالیل کلمات، ترکیبات و جملات قرآن بر پایه کلیه عوامل مؤثر در شکل‌گیری معنای متن قرآن، در حد طاقت بشری و ارائه گزارش تفصیلی فرایند مذکور». (شکرانی، ۱۳۹۱)

۲. **روش‌شناسی توصیفی:** روش‌شناسی تفسیر قرآن از یک منظر به دو قسم قابل تقسیم است: تجویزی و توصیفی. در روش‌شناسی توصیفی، بدون آن که از ابتدا درصدد بیان درستی یا نادرستی روش مفسر باشیم، با بررسی تک‌تک گزاره‌های تفسیری وی، اقسام روش‌های تفسیری او استخراج و به لحاظ کمی نمایه‌سازی می‌شوند. به دیگر بیان در این روش، روش‌پژوه بدون آن که درصدد اثبات درستی یا نادرستی روش تفسیری مفسر باشد، نخست بر آن است که روش یا روش‌هایی را که مفسر در تفسیر خود به کار گرفته؛ از خود متن تفسیر استخراج، کمی‌سازی و در نهایت توصیف نماید. بر این اساس برای استخراج روش تفسیر علامه با روش توصیفی، طی یک کلان‌پروژه، تک‌تک گزاره‌های تفسیری علامه ذیل سوره‌ها در دست بررسی قرار دارد که پژوهش حاضر، حاصل بخشی از این طرح، به روش مذکور است.

۳. **روش‌شناسی تجویزی:** مراد از روش‌شناسی تجویزی این است که با مطالعه قرآن و روایات و تأمل در روش‌های تفاسیر قرآن و بررسی ادله عقلی و زبان‌شناسی چگونگی فهم متن، روش یا روش‌های درست تفسیر قرآن، از روش یا روش‌های نادرست شناخته و معرفی گردند. در حقیقت مراد از روش‌شناسی تجویزی در بررسی روش تفسیری یک تفسیر، این است که روش‌پژوه با نگاهی که خود از روش‌های درست و نادرست تفسیر دارد؛ به تبیین درستی یا نادرستی روش یا روش‌های یک مفسر در تفسیرش می‌پردازد. بر این اساس در روش‌شناسی تجویزی سخن بر سر «چگونه باید تفسیر نمود و چگونه نباید تفسیر نمود» است؛ چنان که در روش‌شناسی توصیفی تفاسیر، سخن از هست‌ها - اعم از درست و نادرست - است.

از نگاه برخی دانشمندان علوم قرآنی و مفسران، روش هم ناظر به منبع و ابزاری است که مفسر برای تفسیر آیات از آن استفاده می‌کند و هم دربردارنده مراحل است که مفسر برای رسیدن به مراد آیات طی می‌کند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۲) اما این مطلب را می‌توان به تقسیم‌بندی‌های دیگری که از روش می‌شود نیز، تعمیم داد. از این‌رو در روش‌شناسی اعم از توصیفی و تجویزی - اگر روش تفسیر یا تفاسیر بر پایه منابع تفسیر طبقه‌بندی شود، منبع تفسیر، معیار دسته‌بندی روش قرار می‌گیرد. بر این اساس، روش‌های تفسیر براساس منابع، به روش قرآن با قرآن، روش روایی، روش

عقلی، روش شهودی، روش ادبی، روش علمی، روش تفسیر به رأی و روش ترکیبی تقسیم می‌گردند (شکرانی، ۱۳۹۱) که تعریف و شرح مورد نظر از این تقسیم‌بندی، از حوصله این مقال خارج است.

۴. سیاق: سیاق کلام را به «اسلوب سخن» و «طرز جمله‌بندی» معنا کرده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۵: ۱۱۹ - ۱۱۸) سیاق از نظر برخی، همان قرینه مقاله یا مصداقی از آن، یا نشانه درون متنی است که ترکیب صدر و ذیل کلام، شکل‌دهنده آن خواهد بود. (ربانی، ۱۳۸۰: ۳۲۳) از نظر محمدباقر صدر، سیاق عبارت است از هرگونه دلالت و نشانه‌ای که با لفظ همراه می‌باشد؛ لفظی که فهم آن مقصود است، خواه آن دال و نشانه لفظی باشد به گونه‌ای که آن دال لفظی با لفظ موردنظر، کلامی یک پارچه و مرتبط را تشکیل می‌دهند، یا آن دال و نشانه حالی (غیرلفظی) باشد، مانند موقعیت‌ها و شرایطی که کلام را دربر گرفته و نسبت به موضوع مورد بحث، نقش دلالت‌گری دارند. (همان: ۱۲۰) براساس تعریف اول، سیاق صرفاً نشانه‌ای لفظی است اما براساس تعریف شهید صدر، سیاق صرفاً نشانه‌ای لفظی نیست که مراد ما از سیاق در *المیزان* معنای اول است. (شکرانی، ۱۳۹۱)

علامه طباطبایی در *المیزان* به صورت گسترده از سیاق استفاده کرده است. شاید بتوان گفت استفاده گسترده از سیاق است که این تفسیر را از دیگر تفاسیر ممتاز می‌سازد. براساس گزارشی، علامه طباطبایی در بیش از ۱۷۰۰ مورد، آیات را با توجه به سیاق دیگر آیات تفسیر کرده است. (شاکری، ۱۳۸۱: ۲۰۸)

تحلیل محتوای کیفی میزان ذیل سوره غافر

در این قسمت براساس تقسیم‌بندی متمایزی از روش‌های تفسیری رایج، به همراه توضیح مختصری از هر یک، به تحلیل محتوای کیفی *تفسیر میزان* ذیل آیات سوره غافر پرداخته شده است:

الف) تفسیر قرآن به قرآن

در این روش، هر آیه با تدبر در آیات دیگر شکوفا می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱ / ۶۱) این روش، خود، گونه‌های مختلفی دارد که برخی آن را به محتوایی و صورتی تقسیم کرده‌اند و برای هر یک اقسامی را برشمرده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۸۶) براساس روش‌شناسی توصیفی مشخص گردید علامه طباطبایی سوره غافر را، در ۷۲ مورد با گونه‌های مختلف روش تفسیر قرآن به قرآن تفسیر نموده است. هر یک از این گونه‌ها در قالب تفسیر واژگان، عبارات و جملات تفکیک و بررسی شده‌اند که در ادامه به بیان آن می‌پردازیم:

یک. تفسیر واژه: علامه طباطبایی به منظور تفسیر واژگان سوره غافر، از طرق مختلف بهره گرفته اند از جمله تفسیر با کمک سایر واژگان، کتب لغت، سایر تفاسیر و تفسیر با کمک خود آیات قرآن. مورد اخیر، یعنی تفسیر با کمک آیات قرآن - که مورد مطالعه این بخش از نوشتار حاضر است - از طرق مختلف همانند تفسیر واژه با کمک سیاق اطراف آیه و تفسیر واژه با کمک سیاق سایر آیات قرآن، قابل پیگیری است که برای نمونه، از هریک مثال‌هایی ارائه می‌شود:

۱. تفسیر واژه با کمک سیاق اطراف خود واژه: علامه طباطبایی در سوره غافر در ۱۸ مورد به منظور تفسیر یک واژه، از واژگان و عبارات اطراف آن واژه استفاده کرده است، به عنوان نمونه ذیل آیه نهم غافر می‌نویسد:

«وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» (غافر / ۹): سیاق مؤید آن است که مراد از کلمه «یومئذ - آن روز» روز قیامت باشد چنان‌که جمله «وَقِهِمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ» در آیه هفتم و جمله «وَأَدْخَلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ» در آیه هشتم نیز، شاهد بر این است که گفتگو در این سیاق، درباره روز قیامت است، پس حق این است که مراد از کلمه «سیئات» نیز، هول و هراس‌ها و شدایدی است که در روز قیامت برای مردم ظهور می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۱۰)

۲. تفسیر واژه با کمک سایر آیات قرآن: علامه طباطبایی تنها در سه مورد جهت تفسیر و معنایابی واژگان سوره غافر، از سایر آیات قرآن کریم بهره برده است که می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود:

«فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ»: منظور از علم عبارت است از: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم / ۷) و نیز فرمود: «فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَكَّلَىٰ عَنْ دِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (نجم / ۳۰ - ۲۹) (همان: ۳۵۳)

دو. تفسیر عبارت^۱ با کمک سیاق: ایشان، در سوره غافر، برخی عبارات را با کمک روایات (شرح آن در قسمت تفسیر روایی می‌آید) و برخی دیگر را با کمک سیاق تفسیر کرده است. این سیاق در برخی موارد، سیاق اطراف خود عبارت بوده و در برخی موارد، سیاق سایر آیات قرآن کریم است. در ذیل به ذکر یک نمونه از هریک اکتفا شده است:

۱. تفسیر عبارت با کمک سیاق اطراف آن: تعداد دفعاتی که ایشان از سیاق اطراف یک عبارت برای فهم معنای آن عبارت بهره برده‌اند، ۱۲ مورد است. برای مثال می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود:

«إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا» (غافر / ۴): از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از «الَّذِينَ كَفَرُوا» کسانی هستند که

۱. عبارت به کلامی گفته می‌شود که از واژه بزرگ‌تر و از واحد جمله کوچک‌تر باشد اما در عین حال، حاوی یک معنای مشخص و به دور از هرگونه ابهام است.

کفر در دل ایشان رسوخ کرده، آنچنان که دیگر امید زوال آن از دل‌هایشان قطع شده است. همچنین با توجه به اینکه فرموده «مَا يُجَادِلُ» (غافر / ۴) و فرموده: «لَا يُجَادِلُ» و نیز ظاهر اینکه فرمود: «فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ» (غافر / ۴)، شهادت می‌دهد که منظور از کفار نامبرده، کفار معاصر رسول خدا ﷺ است، نه فقط کفار اهل مکه. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۰۵)

۲. تفسیر عبارت با کمک سیاق سایر آیات: علامه تنها در یک مورد جهت تفسیر عبارات سوره غافر از سایر آیات بهره برده است:

«يُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ»: یعنی تلاقی خالق و مخلوق را به‌مضمونی که مکرر در قرآن آمده تایید کرد و آن مضمون عبارت از همین است که روز قیامت مردم پروردگار خود را می‌بینند. یکی از آیات که این مضمون را خاطر نشان می‌سازد آیه «بَلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (روم / ۸) است. (همان: ۳۱۸)

ج) تفسیر جمله^۱ با جمله: علامه طباطبایی در سوره غافر در ۳۸ مورد به‌منظور تفسیر یک جمله، از سایر جملات قرآن استفاده کرده‌است. در برخی موارد این جملات، در سیاق اطراف جمله مورد بررسی قرار داشته و در برخی موارد نیز در سیاق سایر آیات قرآن واقع شده‌اند، برای نمونه از هر کدام مثال‌هایی ارائه می‌شود:

۱. تفسیر جمله با کمک سیاق اطراف: علامه در برخی موارد، از سیاق خود جمله و جملات اطراف آن به تفسیر جملات قرآن پرداخته است. تعداد این موارد در سوره غافر به ۲۱ مورد می‌رسد؛ همانند:

«وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»: آیه بعد؛ یعنی «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْرِتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» تفسیری است برای «وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ». (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۳۸)

۲. تفسیر جمله با کمک سیاق سایر آیات: در این قسمت، آیاتی مورد بررسی واقع شده‌اند که علامه جهت تبیین معنای آن‌ها، از سایر جملات قرآن کریم بهره برده است که از میان ۱۷ مورد مذکور در سوره غافر، می‌توان به نمونه زیر اشاره نمود:

«مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لَا شَفِيعٍ يُطَاعُ» (غافر / ۱۸): معنای این جمله در جمله «فَلَا أُتْسَابُ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ» (مؤمنون / ۱۰۱) نیز آمده است. (همان: ۳۲۰)

۱. منظور از جمله در اینجا جمله کامل است. جمله کامل، بر شیء از متن است که دست‌کم از یک مسند یا مسندالیه - که گاهی با قرینه هر دو با یکی از آنها محذوف است - تشکیل شده است و هر یک از این دو می‌تواند دارای یک یا چند وابسته بوده و بر پیامی که مخاطب را اقناع نماید، دلالت می‌کند. (شکرانی، ۱۳۹۱)

ب) تفسیر روایی

روایات پس از قرآن کریم در سنت اسلامی، از اهمیت ممتازی برخوردار است. به همین دلیل علامه طباطبایی نیز در تفسیر خویش، بخشی را به بحث روایی اختصاص داده و علاوه بر گزارش روایات، گاه به نقد و ارزیابی آنها نیز پرداخته است، اما روایات تفسیری، انواع و گونه‌های مختلفی دارند که از نگاه برخی روش‌پژوهان برخی از آنها عبارتند از: روایات بیانگر مصادیق، روایات بیانگر مفاد آیات و روایات بیانگر بطن و تأویل. (بابایی، ۱۳۸۵: ۲۹۱ - ۲۸۷) به‌طور کلی علامه در ذیل سوره غافر، در موارد متعددی از روایات برای تفسیر واژگان یا عبارات و یا جملات سوره غافر بهره برده؛ اما تنها در چهار مورد، با توجه به معیارهای مختلف خویش، این روایات را قابل پذیرش می‌داند که همگی نیز، به بیان مصادیق واژگان پرداخته‌اند، برای نمونه به مورد زیر اشاره می‌شود:

روایات بیانگر مصادیق واژگان یا عبارات: فهم واژگان، اولین گام در فهم قرآن است که برای نیل بدین منظور باید به مفهوم واژگان در عصر نزول راه یافت که در این میان، روایات، نقش بسیار کلیدی دارند. در آیات سوره غافر نیز از منظر علامه طباطبایی، نمونه زیر عهده‌دار چنین نقشی است: در تفسیر قمی، در ذیل جمله «يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر / ۱۵) براساس برخی روایات می‌گوید: منظور «روح القدس» است که مخصوص رسول خدا ﷺ و ائمه عليهم السلام است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۲۱؛ به نقل از: تفسیر قمی، ۲ / ۲۵۶)

ج) تفسیر عقلی

منظور از آن، تفسیر قرآن با استناد و کمک عقل است؛ یعنی مراد الهی با استدلال و برهان معلوم می‌شود. (مؤدب، ۱۳۹۰: ۱۲۵) به دیگر بیان در این دسته از آیات، بدیهیات عقلی و برهان‌های قطعی برگرفته از عقل، از قراین متصل آیات به‌شمار رفته و عقل به‌عنوان یک منبع و نیروی ودیعه شده در انسان، این قراین را در اختیار آدمی قرار می‌دهد. بنابراین عقل از منابع تفسیر به‌شمار رفته و تفسیر عقلی یکی از روش‌های تفسیری قرآن معرفی می‌شود. (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۱۱)

از نگاه برخی، نقش عقل در تفسیر قرآن، در چهار محور متصور است: سلبی، ایجابی، تبیینی و توضیحی و کشف استلزامات. (همان: ۳۱۴ - ۳۱۱) با تفحص در روش علامه در تفسیر سوره غافر این نکته به‌دست آمد که تنها محور سوم و چهارم مورد استفاده ایشان قرار گرفته و ایشان در ۱۰۴ مورد، در ذیل آیات سوره غافر، با استفاده از عقل و براهین عقلی، به تبیین و توضیح آیات یا کشف استلزامات آن پرداخته‌اند و دو محور سلبی و ایجابی، در این سوره نیامده است، به همین دلیل تنها به شرح این دو محور پرداخته می‌شود:

الف) نقش تبیینی و توضیحی: در این قسمت، عقل نقش ابزاری دارد، به دیگر بیان، متمم منابع دیگر است؛ یعنی عقل با استفاده از لغت، آیه‌ها و روایت‌ها (قراین پیوسته و ناپیوسته کلام) به کشف مجهولات خود از آیه‌ها می‌پردازد و با کاوش و استدلال به فهم مراد خدا از آیه دست می‌یابد. در برخی موارد نیز به ارائه تبیین دقیق و کامل در خصوص مفاد برخی آیات می‌پردازد. (همان: ۳۱۳ - ۳۱۲)

با دقت در سخنان علامه ذیل آیات سوره غافر، چنین به دست آمد که ایشان در ۹۰ مورد، با تحلیل داده‌های دیگر منابع به تبیین و توضیح آیه برای فهم معارف آن پرداخته است، نمونه این اجتهاد را می‌توان در تبیین آیه «أَمْتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ» (غافر / ۱۱) دید. در این آیه شریفه که سخن از دو میراندن و دو زنده کردن است، اشاره به دو بار مردن و دو بار زنده شدن آدمی دارد اما در توضیح آن و تبیین منظور آن، سخنی نیامده است. عقل با استفاده از داده‌های خود می‌تواند تبیین معقول و متقنی از مقصود آیه به شرح زیر ارائه دهد و به این طریق به فهم دقیق‌تر و کامل‌تری از آیه راه یابد:

آیه فوق، اشاره به میراندن بعد از زندگی دنیا، میراندن بعد از زندگی در برزخ، احیای در برزخ و احیای در قیامت می‌کند، چون اگر زندگی در برزخ نبود، دیگر میراندن دومی تصور صحیحی نداشت، ... مرادش از احیاء نیز، آن احیایی بوده که باعث پیدا شدن یقین به معاد گشته که عبارت است از احیای در برزخ، احیای در قیامت. اما زندگی دنیا هر چند که آن هم احیا است و لیکن به خودی خود باعث پیدا شدن یقین به معاد نیست، به شهادت اینکه کفار تا چندی که در دنیا بودند نسبت به معاد در شک و تردید بودند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۱۳)

ب) کشف استلزامات آیه: گاهی افزون بر مفاد ظاهری آیه، استلزامات عقلی آن نیز، مراد خداوند است. در چنین مواردی عقل با به‌کارگیری قالب‌ها و فرمول‌های استخراج استلزامات، به این معارف راه می‌یابد. درحالی‌که اگر بهره‌گیری از عقل نبود، این معارف از آیه یاد شده، قابل استخراج نبود. (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۱۴) به‌عنوان نمونه در آیه «وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخُلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر / ۴۶ - ۴۵) که مشتمل بر عذاب آل فرعون است دو نکته استفاده می‌شود:

اول اینکه: با آل فرعون این طور معامله می‌شود که اول آنان را بر آتش عرضه می‌کنند و سپس آنان را در آن داخل می‌کنند و این هم پیداست که داخل آتش شدن سخت‌تر است از اینکه انسان را بر آتش عرضه کنند. نکته دوم اینکه: عرضه آنان بر آتش قبل از روز قیامت است که در آن روز دوزخیان را داخل دوزخ

می‌کنند. پس معلوم می‌شود عرضه کردن آل فرعون بر آتش، در عالمی قبل از عالم قیامت صورت می‌گیرد و آن عالم برزخ است که فاصله بین دنیا و آخرت است. نکته سوم اینکه شکنجه در برزخ با شکنجه در قیامت به‌وسیله یک چیز صورت می‌گیرد، آن هم آتش است، چیزی که هست اهل برزخ از دور از آتش رنج می‌برند و اهل قیامت در داخل آن قرار می‌گیرند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۳۶)

روشن است که اگر بهره‌گیری از عقل نبود، این نتیجه‌گیری‌ها صورت نمی‌گرفت و این معارف از آیات یادشده، قابل استخراج نبود.

د) روش تفسیر شهودی

مقصود از تفسیر شهودی، تفسیر قرآن با استناد به شهودات و مکاشفات غیبی است که برای مفسر حاصل می‌شود. بنابراین، آن قسم از تفاسیر باطنی و عرفانی که منبع مفسر در داده‌های تفسیری او، مکاشفات غیبی شخصی خویش یا حداقل منقول از دیگران نیست در این قسم داخل نمی‌شود و بیان یا نقل مباحث عرفانی بعضاً داخل در استلزامات عقلی و برخی داخل در دیگر اقسام تفاسیر به اعتبار منبع می‌گردند. (شکرانی، ۱۳۹۱) از آنجا که روش فوق در تفسیر المیزان ذیل سوره غافر به‌کار نرفته، از بررسی جزئیات آن خودداری و به همین میزان، اکتفا می‌شود.

ه) روش تفسیر ادبی

مقصود از این روش، تفسیر با کمک منابع زبانی اعم از صرف و نحو و کتب لغت است. بر این اساس هرگونه منبعی که مفسر را در فهم معنای واژگان، عبارات و جملات قرآن در زمان نزول یاری دهد؛ اعم از قرآن مجید، روایات، سخن صحابیان، فرهنگ عامه مردم در عصر نزول، همه از منابع زبانی تفسیر به‌شمار می‌آیند. به این معنا که با مراجعه به آنها، معانی و کاربردها و عبارات قرآنی در عصر نزول روشن می‌گردد. شایان ذکر است که از قرآن و روایات و سخن صحابیان، گاه در فهم مقاصد قرآن و گاه در فهم کاربردهای واژگان قرآن استفاده می‌کنیم. آن چه در این روش مدنظر است، نوع دوم استفاده است.

با دقت در روش علامه در تفسیر سوره غافر این نکته به‌دست آمد که ایشان در تفسیر واژگان عبارات و جملات سوره غافر، سه مرتبه با کمک مباحث زبانی (صرف و نحو) و پانزده مرتبه از منابعی همچون کتب لغت، تفاسیر مختلف و سایر واژگان بهره برده است که به ذکر یک نمونه در مورد هریک اکتفا می‌گردد:

الف) تفسیر واژه با استناد به سایر واژگان: علامه طباطبایی، در هشت مورد، از واژگان مترادف برای بیان معنای واژه مورد نظر بهره برده است. مثلاً: «أَمْ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ» (غافر / ۶۹): کلمه «انی» به معنای «کیف - چگونه» است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۵۰)

ب) تفسیر واژه با استناد به فرهنگ‌های واژگان عربی: علامه طباطبایی در سه مورد از موارد تفسیری واژگان سوره غافر از کتاب *مفردات* راغب اصفهانی برای بیان معنای واژه بهره برده است که می‌توان به عنوان نمونه به آیه زیر اشاره نمود: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ» (غافر / ۷۵): راغب گفته: «فرح» به معنای گشادگی دل است، به وسیله لذتی زودگذر که بیشتر در لذت‌های بدنی است ولی «مرح» به معنای شدت فرح و بی‌بند و باری در آن است. (همان: ۳۵۲)

ج) تفسیر واژه با استناد به سایر تفاسیر: در چهار مورد، علامه جهت تبیین معانی واژگان از تفسیر مجمع البیان استفاده کرده است، همانند: «إِذَا الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ» (غافر / ۷۱): در مجمع البیان می‌گوید: کلمه «اغلال» جمع «غل» است و آن عبارت است از طوقی که به گردن اشخاص می‌اندازند، تا خواری و ذلت او را بنمایانند. (همان: ۳۵۱)

د) تفسیر با استناد به صرف و نحو: از آنجا که مفسر درصدد یافتن معانی الفاظ قرآن است، باید علاوه بر دریافت معنای مواد کلمات با استمداد از علم لغت، هم مقاد ساخت آنها را با استفاده از علم صرف به دست آورد و هم به واسطه بررسی هیئت ترکیبی کلمات، جایگاه آنها را در جمله مورد بررسی قرار دهد. (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۴۴ - ۳۴۱) بر این اساس با واکاوی کلام علامه ذیل آیات سوره غافر این نکته به دست آمد که ایشان، تنها از علم صرف بهره برده و تنها در سه مورد، با توجه به ساخت کلمه و شناخت هیئت آن، معنای خاص مدنظر را استخراج نموده است:

«غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (غافر / ۳): اینکه در جمله «غَافِرِ الذَّنْبِ» و جمله «قَابِلِ التَّوْبِ» مطلب را در قالب اسم فاعل آورده بعید نیست برای این بوده که بر استمرار تجدیدی دلالت کند؛ چون مغفرت و قبول توبه، از صفات فعلیه خداست و خدای تعالی همه روزه و لایزال گناهی را می‌آمرزد و توبه‌هایی را قبول می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷ / ۳۰۳)

۱. مهم‌ترین نقش علم صرف، شناخت هیئت و ساخت کلمات برای پی بردن به معانی آنها است؛ چراکه هریک از ساخت‌های کلمات، برای افاده معنایی خاص در نظر گرفته شده‌اند. (بابایی، ۱۳۸۵: ۳۴۱)

(و) روش تفسیر علمی

در قرآن مجید از انواع پدیده‌های طبیعی همانند آسمان‌ها و زمین و چگونگی آفرینش آنها و سایر پدیده‌های آسمانی و زمینی سخن به میان آمده است. همچنین انسان به عنوان یک موجود ممتاز که از کرامت و خلافت الهی برخوردار است، به لحاظ بعد جسمانی و نیز ارتباط ابعاد روحی و جسمی (تأثیر و تأثر) روح و بدن و نیز ابعاد فردی و اجتماعی آن، مورد توجه فراوان قرار داشته و در آیات بسیاری از او سخن به میان آمده است. به همین دلیل دستاوردهای تجربی در مورد موضوعاتی که در این نوع آیات مطرح شده‌اند - اعم از علوم طبیعی و علوم انسانی^۱ - در صورت برخورداری از اعتبار لازم، باید در فهم و تفسیر آیات به عنوان یکی از منابع تفسیری، مورد استفاده و توجه مفسر قرار گیرند. (بابی، ۱۳۸۵: ۳۱۵) بنابراین یکی از روش‌های تفسیر آیات قرآن کریم، تفسیر با کمک منابع علمی معتبر و دستاوردهای تجربی قطعی و مورد اطمینان بشر در زمینه‌های مختلف است.

از آنجا که روش فوق در تفسیر المیزان ذیل سوره غافر به کار نرفته، از بررسی جزئیات آن خودداری و به همین میزان، اکتفا می‌شود.

به طور کلی می‌توان کلیه روش‌های تفسیری به کار رفته توسط علامه طباطبایی ذیل آیات سوره غافر را در نمودار زیر خلاصه نمود:



تحلیل محتوای کمی تفسیر المیزان ذیل سوره غافر

بر اساس پژوهش انجام شده و تحلیل محتوای کیفی (بخش قبل)، به طور کلی روش تفسیری المیزان در تفسیر سوره غافر، به صورت مختصر در نمودار زیر آمده است. مطابق این نمودار، علامه تقریباً^۲ در

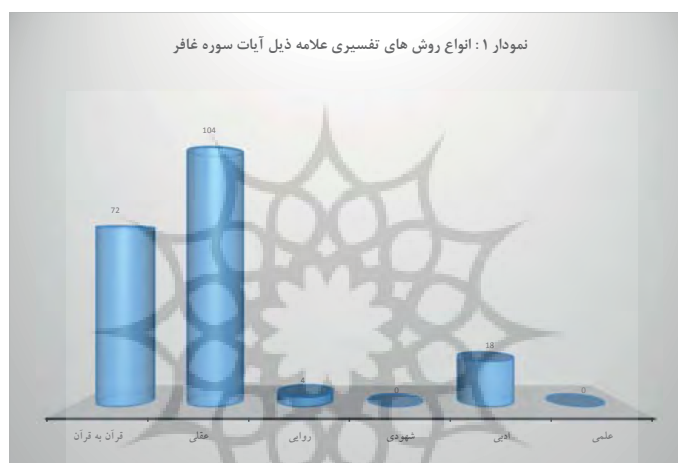
۱. علوم طبیعی شامل شیمی، فیزیک، نجوم و... است. علوم انسانی نیز شامل جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی و... است.

۲. کلمه تقریباً، جهت اجتناب از خطاهای احتمالی در شمارش موارد فوق ذکر گردیده است؛ چراکه ممکن است مواردی باشد که از نگاه نویسندگان مقاله، مخفی مانده باشد.

۷۲ مورد از روش تفسیری قرآن به قرآن، ۱۰۴ مورد از تفسیر عقلی، ۴ مورد از روش تفسیر روایی، ۱۸ مورد تفسیر ادبی استفاده کرده است.

از جمله نکات مهم و قابل توجه در مورد روش تفسیری علامه ذیل آیات سوره غافر، که از خلال تحلیل محتوای کمی روش تفسیری ایشان حاصل شد، طبق نمودار زیر، کثرت فراوانی روش تفسیر عقلی و قرآن به قرآن نسبت به روش روایی است که این میزان در هریک، تقریباً به ۲۶ و ۱۷ برابر روش تفسیر روایی می‌رسد.

نکته دوم حاصل از نمودار زیر، تفاوت دو ستون اول و دوم نمودار؛ یعنی روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تفسیر عقلی است که میزان پایبندی علامه را به کشف مراد آیات با استفاده از براهین عقلی در کنار بهره‌مندی از مفاد خود آیات برای تفسیر قرآن، نمایش می‌دهد. به دیگر بیان می‌توان ذیل آیات سوره غافر در *تفسیر المیزان*، به اهمیت و نقش همزمان عقل و آیات قرآن برای تفسیر آیات سوره غافر پی برد.



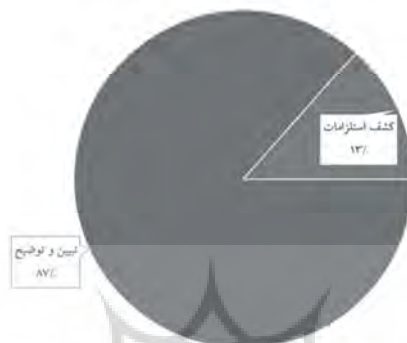
در ادامه هریک از ستون‌های جدول فوق، به‌طور مجزا بررسی و تحلیل می‌شود: ابتدا جهت تحلیل کیفی موارد تفسیر قرآن به قرآن سوره غافر می‌توان موارد زیر را ارائه نمود: در مورد تفسیر قرآن به قرآن، علامه جهت تفسیر و تبیین آیات سوره غافر، ۵۱ بار از سیاق خود واژه یا عبارت یا جمله استفاده نموده و ۲۱ بار نیز از سایر آیات و جملات در سایر سوره (اعم از مؤیدها، آیات هم‌معنا با مطلب مورد بحث، آیات متناظر و سایر آیات) بهره برده است که این امر، نمایانگر تأثیر بسیار زیاد بافت و سیاق آیات در تفسیر عبارات و جملات آن است:

جدول (۱): موارد تفسیر قرآن به قرآن المیزان ذیل سوره غافر

تعداد	عنوان
۵۱	تفسیر با کمک سیاق اطراف خود واژه یا عبارت یا جمله
۲۱	تفسیر با کمک سیاق سایر آیات قرآن

مطابق نمودار شماره ۲ نیز، علامه در ۱۳ درصد مواردی که براساس عقل تفسیر نموده است، به کشف و بیان استلزامات آیه پرداخته و در سایر موارد، با استفاده از براهین و استدلال‌های عقلی خویش، به تبیین و توضیح مفاد آیه اهتمام ورزیده است.

نمودار ۲: موارد تفسیر عقلی المیزان ذیل سوره غافر



نمودار شماره ۳ نیز، موارد مختلف تفسیر ادبی المیزان ذیل سوره غافر را نشان می‌دهد که براساس آن، علامه در ۳ مورد از فرهنگ واژگان عربی و در ۴ مورد از سایر تفاسیر بهره برده است، ۸ مرتبه نیز از اجتهادات شخصی خویش استفاده کرده و بدون ارجاع به منبع یا کتاب خاصی، معانی واژگان را با کمک سایر واژگان مرتبط با آن بیان نموده است. همچنین ایشان در ۳ مورد نیز با کمک قواعد و مباحث صرف و نحو زبان عربی، به تبیین معنای آیه و ریشه‌یابی واژگان آن پرداخته است.

نمودار ۳: موارد تفسیر ادبی المیزان ذیل آیات سوره غافر



نکته حاصل از تمامی نمودارها و جداول فوق، کثرت و فراوانی روش علامه در بهره‌مندی از عقل به عنوان یکی از منابع مهم جهت تفسیر آیات قرآن در قیاس با سایر منابع تفسیری است که این خود حکایتگر اجتهاد فراوان ایشان در موارد متعدد و مصداقی از تدبر در قرآن است. قدرت تحلیل، اشراف بر مباحث عقلی و فلسفی، تخصص مفسر در فلسفه و کلام به‌خوبی در این بخش آشکار شده است. کاری که اکثر مفسران پیشین کمتر بدان وارد شده و در موارد اندکی به آن، پایبندی نشان داده‌اند.

بنابراین براساس جداول و نمودارهای فوق، در سوره غافر، علامه جهت تبیین معانی و مفاهیم نهفته در آیات، از کاوش‌های عقلی بیشترین بهره را برده و در دو محور تبیین و توضیح آیات و کشف استلزامات و معانی نهفته در آن‌ها، به این امر مبادرت ورزیده است. در گام بعد، از سیاق خود آیات برای معنایابی و واکاوی معانی درونی آن، استفاده کرده است.

بهره‌گیری از متون روایی به‌جا مانده از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز، در چهارمین تراز رده‌بندی روش علامه ذیل آیات سوره غافر و بعد از تفسیر ادبی قرار گرفته است. این امر؛ یعنی چگونگی پرداختن علامه به مباحث روایی، نشان می‌دهد که فکر مفسر نباید در دایره روایاتی که مصداق‌ها را بیان می‌کند، محدود ماند و از مفاهیم جاودانه قرآنی باز ایستد. روش علامه در المیزان بهره‌گیری از روایات و بیان نسبت میان کتاب و سنت (۷۲ به ۴)، پذیرش روایات عرضه است که حجیت روایات را در گرو عدم مابینت با قرآن دانسته است.

براساس پژوهش حاضر که به‌عنوان یک نمونه از جامعه آماری کل تفسیر المیزان، محسوب می‌شود، به‌عنوان یک فرضیه می‌توان نتیجه آن را به کل جامعه آماری؛ یعنی تفسیر المیزان تعمیم داد و این رهیافت را ارائه نمود که از نظر علامه طباطبایی، اجتهاد و کاوش عقلی مهم‌ترین عامل جهت تبیین معانی آیات محسوب می‌گردد. ایشان به‌عنوان مفسری که بیشترین تکیه تفسیری خویش را بر عقل دارد، با اقتباس از بهره‌های معرفتی خویش در مباحث فلسفی و کلامی، باب گفتگو و مجادلات در آیات را می‌گشاید و آیات را از زوایا و اضلاع گوناگون به‌بررسی می‌نشیند و به تبیین و توضیح گره‌های موجود در آن می‌پردازد و سرانجام تصویری روشن و تحلیلی سنجیده از معانی نهفته در آیات و شبهات موجود پیرامون آن، ارائه می‌دهد. نتیجه حضور مفسر در عرصه تفکر زمان خویش و آگاهی از جریان‌های فکری موجود در آن دوران، سبب اصلی انعکاس نیاز اصلی زمان در تفسیر المیزان است و ایشان نسبت به گفتمان معرفت‌شناسانه معاصر دوران خویش، که معمولاً در سطح اندیشه‌وران هر حوزه جریان دارد، کاملاً فعالانه برخورد کرده است.

نتیجه

هدف پژوهش حاضر تحلیل رفتار تفسیری علامه و روش او جهت تبیین آیات سوره غافر بوده است. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای تلخیصی، به بررسی روش تفسیری علامه در سوره غافر به عنوان یک مورد از کل سوره های قرآن پرداخته شد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که علامه طباطبایی جهت انجام امر تفسیر و ایفای حق آن؛ به منابع مختلفی همانند قرآن، روایات، عقل، علوم مختلف و مباحث ادبی توجه کرده است که این تفاوت بیش از هر چیز به ماهیت متفاوت این منابع مربوط می شود. در این میان، به دلیل آگاهی از جریان های فکری موجود و نیاز مبرم جامعه به مباحث عقلی، از عقل و کاوش های عقلی، نسبت به سایر منابع تفسیر، بهره بیشتری برده و در اکثر موارد با کمک اجتهادات خویش در مباحث کلامی و فلسفی به تبیین و واکاوی آیات الهی پرداخته است. نتیجه حضور مفسر در عرصه تفکر زمان خویش و آگاهی از جریان های فکری موجود در آن دوران، سبب اصلی انعکاس نیاز اساسی زمان در تفسیر *المیزان* است و ایشان نسبت به گفتمان معرفت شناسانه معاصر دوران خویش، که معمولاً در سطح اندیشه وران هر حوزه جریان دارد، کاملاً فعالانه برخورد کرده است. از این رو آنچه امروزه از آن به تفسیر عقلی تعبیر می شود در تفسیر *المیزان* ذیل آیات سوره غافر بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از نقاط ضعف روش تفسیری علامه در سوره غافر و از آن جا در تحلیل محتوای کیفی و کمی آن، موجزگویی ایشان به دلیل اتکا به سخنان قبلی در سوره گذشته است؛ بدین معنا که در بسیاری از موارد، جهت پرهیز از اطاله کلام و تکراری بودن گفتار برای خواننده، ذیل تفسیر برخی آیات و واژگان، او را به مجلد های قبلی *المیزان* ارجاع داده که در برخی موارد نیز، حتی این ارجاع دهی بیان نشده است. از این رو خواننده، فقدان کلام علامه و تبیین تفسیری ایشان را در ذیل برخی واژگان مبهم و عبارات و آیات نیازمند به تفسیر، احساس می کند.

به طور کلی در نهایت با توجه به تصادفی بودن انتخاب نمونه (سوره غافر) شاید بتوان نتایج این پژوهش را به کل تفسیر *المیزان* تعمیم داد و از منظر ایشان، کاوش عقلی را، مهم ترین عامل جهت تبیین معانی آیات، معرفی نمود.

منابع و مآخذ

الف) کتاب ها

- قرآن کریم.

- بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۵، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران، سمت، چ ۲.

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تسنیم، قم، اسراء.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، ۱۳۸۴، مهر تابان: یادنامه و مصاحبات تلمیذ علامه محمدحسین طباطبایی تبریزی، قم، نور ملکوت قرآن.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۵، منطق تفسیر قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چ ۲.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۸، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، کتاب فرا.
- شکرانی، رضا، ۱۳۹۱، درسگفتار «بررسی و نقد مکاتب و روش‌های تفسیری» دوره دکترای علوم قرآن و حدیث، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کریپندورف، کلوس، ۱۳۷۸، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایب، تهران، انتشارات روش.
- مؤدب، سید رضا، ۱۳۹۰، روش‌های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم.

ب) مقاله‌ها

- ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۶، ص ۴۴ - ۱۵، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ربانی، محمدحسن، ۱۳۸۰، «نقش سیاق در تفسیر»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۸ - ۲۷، ص ۳۴۱ - ۳۲۲، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی.
- شاکری، سیمین دخت، ۱۳۸۱، «نقش سیاق در تفسیر جامع البیان عن تأویل ای القرآن»، علوم انسانی، شماره ۴۱، ص ۲۲۲ - ۲۰۳، تهران، دانشگاه الزهراء علیها السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی